

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Explaining the Formation of Dwelling Experience in Post-Disaster
Prefabricated Housing with Emphasis on Socio-Cultural Components
(Case Study: Earthquake-Prone Regions of Turkey)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

تبیین فرایند شکل‌گیری تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی (مطالعه موردی: مناطق زلزله‌خیز ترکیه)

مهسا حق^۱، مریم کریمی^۲، حسین ذوالفقار^{۳*}

۱. گروه معماری، دانشکده مهندسی و علوم طبیعی، دانشگاه استانبول صباح‌الدین زعیم، استانبول، ترکیه

۲. گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۱

چکیده

بیان مسئله: افزایش زمین‌لرزه‌های گسترده در ترکیه، ضرورت اسکان موقت آسیب‌دیدگان را بیش از پیش آشکار ساخته است. با وجود کاربرد گسترده مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران، تجربه سکونت در این فضاها صرفاً به ابعاد کالبدی محدود نمی‌شود و عوامل اجتماعی-فرهنگی نیز در کیفیت زندگی و رضایت سکونتی ساکنان نقشی مهم ایفا می‌کنند؛ ابعادی که در بسیاری از پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

هدف پژوهش: هدف این پژوهش، بررسی مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران و تبیین نقش این مؤلفه‌ها در رضایت سکونتی و کیفیت زندگی ساکنان است.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکرد کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای انجام شده است؛ زیرا هدف آن، فهم و تبیین تجربه زیسته و روایت‌های ساکنان از سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران و شناسایی فرایند شکل‌گیری ابعاد اجتماعی-فرهنگی سکونت بوده است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعات اسنادی، یادداشت‌برداری تحلیلی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برخط با ۳۰ نفر از ساکنان واحدهای پیش‌ساخته در شهرهای قهرمان‌مرعش، هاتای، آدیامان و مالاتیا گردآوری شد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد و داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهند که تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران، تحت تأثیر عواملی همچون روابط همسایگی، سرمایه اجتماعی، احساس تعلق مکانی، سازگاری فرهنگی و کیفیت فضاهای مشترک قرار دارد. همچنین، ساکنان از طریق کنش‌های تطبیقی و بازتعریف روابط اجتماعی، بخشی از پیامدهای ناشی از بحران را جبران می‌کنند. تفاوت زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی شهرهای مورد مطالعه نیز نقشی مؤثر در شکل‌گیری تجربه سکونت و کیفیت زندگی ساکنان داشته است. در مجموع، مسکن‌های پیش‌ساخته فراتر از یک سرپناه موقت، بستری برای بازسازی یا تضعیف هویت مکانی و روابط اجتماعی محسوب می‌شوند؛ از این‌رو، توجه به ابعاد اجتماعی-فرهنگی در طراحی و برنامه‌ریزی اسکان پس از بحران ضروری است.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی، تجربه سکونت، مسکن پیش‌ساخته، هویت مکانی، مناطق زلزله‌خیز ترکیه.

مقدمه و بیان مسئله

اسکان پس از بحران را نمی‌توان صرفاً مسئله‌ای کالبدی و مدیریتی تلقی کرد، بلکه این فرایند با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و تجربه زیسته ساکنان نیز پیوند دارد و نحوه شکل‌گیری رابطه انسان با مکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ نسبتی که در بستر مسکن‌های پیش‌ساخته، به‌صورت موقت و ناپایدار بازتعریف

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۸۹۱۲۸۹۰@hossein.zolfaghari@izu.edu.tr

می‌شود. بلایای طبیعی به‌عنوان رویدادهایی شناخته می‌شوند که معمولاً ناگهانی، غیرقابل پیش‌بینی و در دوره‌های خاصی رخ می‌دهند و علاوه بر تلفات جانی و تخریب گسترده اموال و محیط‌زیست، بر زندگی اجتماعی و نظام‌های اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارند (Dobrucali & Hakki Demir, 2016, 1). در میان بلایای طبیعی، زمین‌لرزه یکی از مهم‌ترین مخاطراتی است که کشور ترکیه به‌دلیل موقعیت زمین‌ساختی خود،

مطالعات پیشین عمدتاً تحت تأثیر تحلیل‌های سازه‌ای و فنی قرار داشته است.

پیشینه پژوهش

با توجه به پژوهش‌های متعددی که در دهه‌های اخیر پیرامون موضوع اسکان پس از بحران انجام شده است و با وجود مطالعات ارزشمندی که در زمینه زلزله‌های کشور ترکیه به‌ویژه زلزله قهرمان‌مرعش در سال ۲۰۲۳ میلادی صورت گرفته است، باین‌حال، بخش قابل‌توجهی از این مطالعات بر عملکرد فنی، سازه‌ای و مدیریت بحران متمرکز بوده‌اند و به پژوهش‌هایی با دامنه بسیار محدود در چارچوب تجربه زیسته در دوران بحران پرداخته شده است.

زلزله‌های مرمره در سال ۱۹۹۹ میلادی و وان در سال ۲۰۱۱ میلادی از جمله مهم‌ترین زلزله‌های رخ داده در ترکیه تا قبل از زلزله سال ۲۰۲۳ میلادی قهرمان‌مرعش بودند. اترک و توپال (Ertürk & Topal, 2020) استدلال کردند که پس از زلزله‌های مرمره در سال ۱۹۹۹ میلادی و وان در سال ۲۰۱۱ میلادی، پروژه‌های مسکن انبوه و بازسازی شهری به‌عنوان اقدامات عمومی با هدف جبران خسارات گذشته و کاهش خسارات آینده مشاهده شدند و در ترکیه، سیاست‌های اسکان پس از بحران غالباً بر سرعت ساخت و مقرون‌به‌صرفه‌بودن تأکید داشته‌اند، باین‌حال، ابعاد فرهنگی و اجتماعی بازاسکان در بسیاری موارد نادیده گرفته شده است.

در پژوهشی که توسط بیهان و تافلی (Beyhan & Taffli, 2025) انجام شده است، چنین بیان شده که در نتیجه نیازهای مسکن که پس از یک فاجعه ایجاد می‌شوند، راه‌حلهایی مانند واکنش اضطراری، توانبخشی و بازسازی برای برآوردن این نیازها توسعه داده می‌شوند. باین‌حال، مشکلات مربوط به مسکن پدیدار می‌شوند که نمی‌توانند به‌طور کامل نیازهای کاربران را برطرف کنند و شامل چالش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی می‌شوند. ازسوی دیگر، بوستان و دمیرتاش (Bostan & Demirtaş, 2025) این‌گونه استدلال کرده‌اند که کیفیت زندگی در میان بازماندگان زلزله که تحت تأثیر زلزله فوریه سال ۲۰۲۳ میلادی در ترکیه قرار گرفتند و در خانه‌های پیش‌ساخته در شهر آدیامان ساکن بودند، در مقایسه با هنجارهای عمومی جمعیت، به‌طور قابل‌توجهی بدتر شده است. این کاهش به‌ویژه در ابعاد خاصی از کیفیت زندگی شدیدتر بوده است.

همچنین، گیلانی (Geylani, 2025) با بررسی عوامل اقتصادی و عملکردی مؤثر بر بازسازی مسکن پس از سانحه در ترکیه، بر ضرورت بهبود بهره‌وری هزینه در فرایند بازسازی تأکید و پیشنهادهایی را برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران پروژه مطرح می‌کند. در پژوهش انجام‌شده توسط جنینگز و

به‌طور مکرر با آن مواجه بوده است. ترکیه در فوریه سال ۲۰۲۳ میلادی شاهد وقوع مجموعه‌ای از زمین‌لرزه‌های ویرانگر بود. براساس گزارش‌های رسمی، بیش از ۳/۳ میلیون نفر آواره شدند و نزدیک دو میلیون نفر در اردوگاه‌های چادری و سکونتگاه‌های کانتینری اسکان یافتند. تخریب یا فروریزش کامل واحدهای مسکونی، اعم از برج‌های آپارتمانی و خانه‌های روستایی در منطقه‌ای به وسعت حدود ۱۱۰ هزار کیلومتر مربع، ابعاد بی‌سابقه این فاجعه را آشکار ساخت (AFAD, 2023).

با توجه به چنین شرایطی، نیاز و تأمین سرپناه فوری به‌عنوان نخستین اولویت، اهمیتی والا دارد. ازاین‌رو، اسکان در مسکن‌های پیش‌ساخته به ویژگی اصلی سیاست‌های پس از بحران در ترکیه مبدل شد. این در حالی است که پس از وقوع بلایای طبیعی مانند زلزله، شناسایی محل سکونت قربانیان فاجعه و ایجاد مناطق اسکان موقت برای رفاه روانی و جسمی آن‌ها ضروری است (Tuzkaya et al., 2025, 256).

از این منظر، مسئله مسکن پس از بحران را نمی‌توان صرفاً در قالب پاسخ‌های فنی و سازه‌ای تحلیل کرد، بلکه باید آن را به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی در نظر گرفت که به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی، رضایت سکونتی و بازسازی روانی-اجتماعی بازماندگان اثر می‌گذارد. بسیاری از سکونتگاه‌های پیش‌ساخته، به دلیل نادیده گرفتن زمینه‌های فرهنگی و الگوهای تعامل اجتماعی، قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای معنایی و اجتماعی ساکنان نیستند و همین امر می‌تواند به تضعیف حس تعلق، گسست روابط همسایگی و کاهش کیفیت تجربه سکونت منجر شود.

بر این اساس، هدف پژوهش، تبیین چگونگی شکل‌گیری تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران با تأکید بر ابعاد اجتماعی-فرهنگی در مناطق زلزله‌خیز ترکیه است. پرسش اصلی پژوهش عبارت است از: «مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی چگونه بر شکل‌گیری تجربه سکونت، رضایت سکونتی و کیفیت زندگی ساکنان مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران تأثیر می‌گذارند؟» این پژوهش بر این پیش‌فرض استوار است که تجربه سکونت در شرایط پس از بحران، صرفاً متأثر از ویژگی‌های کالبدی مسکن نیست، بلکه زمینه‌های فرهنگی، روابط اجتماعی، ساختار خانوادگی و الگوهای تعامل اجتماعی نیز در شکل‌گیری رضایت سکونتی و کیفیت زندگی ساکنان نقشی مؤثر دارند؛ تا بتواند با ارائه بینشی انسان‌محور، زمینه را برای طراحی فضاهای موقت فراهم آورد که نه‌تنها پاسخ‌گوی نیازهای فیزیکی، بلکه بازتاب‌دهنده ارزش‌های فرهنگی، روانی و اجتماعی جامعه محلی باشند.

نوآوری این پژوهش در تمرکز بر تجربه زیسته ساکنان و تبیین فرایند بازسازی تدریجی کیفیت زندگی از طریق روابط اجتماعی و سرمایه اجتماعی در سکونت موقت است؛ رویکردی که در

اجتماعی و وضعیت سلامت روان افراد پس از وقوع یک فاجعه طبیعی بررسی و مشخص شد که زندگی در مسکن موقت پیش‌ساخته پس از فاجعه لزوماً تأثیری منفی بر شرایط روانی-اجتماعی بعدی یا فعالیت‌های تعامل اجتماعی نداشته است (Akaishi et al., 2021). از سوی دیگر، کاراسکو و اوبراین (Carrasco & O'Brien, 2022) در پژوهش خود به بررسی سیر تکامل ساخت‌وساز مسکن تدریجی، پیچیدگی‌های متعدد ناشی از تنوع ویژگی‌ها و نیازهای خانوارها در فرایند خودیاری مسکن پس از سانحه در کشور شیلی پرداخته‌اند. این مطالعه ظرفیت‌ها و فداکاری‌های ساکنان را برای بهبودی خود با کنترل فرایند ساخت مسکن تدریجی نشان می‌دهد. بر این اساس، تحلیل بلندمدت مسکن تدریجی پس از سانحه برای به حداقل رساندن ایجاد خطرات بیشتر بسیار مهم است که مستلزم مشارکت جامعه در ایجاد محیط‌های زندگی امن‌تر است. با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی و روابط انسان‌ها در کنار هم در قالب روابط همسایگی نقشی مهم در بازسازی اجتماعی اسکان‌های موقت ایفا می‌کنند و در عین حال میزان تعاملات اجتماعی ساکنان و نحوه استفاده از فضاهای مشترک بسیار تحت تأثیر ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی ساکنان است، بنابراین برای درک کامل تجربه زیسته ساکنان در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران، بررسی فرهنگ و رفتار فضایی ضروری است. به منظور مقایسه نظام‌مند مطالعات پیشین و شناسایی خلأهای موجود، خلاصه‌ای از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط در جدول ۱ ارائه شده است. مرور ادبیات نشان می‌دهد که بخش عمده پژوهش‌های

همکاران (Jennings et al., 2024) نشان داده شد که تحولات کوچک در ساختار فضایی محلات می‌تواند سبب افزایش تعامل، تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش انزوا شود، عاملی که در بافت مسکن موقت پس از بحران از لحاظ روانی و اجتماعی ارزشی دو چندان دارد. همزمان با ادامه روند بهبودی ترکیه از زلزله ویرانگر سال ۲۰۲۳ میلادی در جنوب شرقی آناتولی، کمبود مسکن و محدودیت‌های مدل‌های مسکن متعارف پس از سانحه به‌طور فزاینده‌ای آشکار شده است. در سایه بلایای قبلی، ارزش راه‌حل‌های جایگزین، مانند مسکن مشارکتی، برجسته می‌شود. باین‌حال، علیرغم مزایای شناخته‌شده، اجرای آن‌ها همچنان اندک است (Özdoğan et al., 2025). عسگری و همکاران (Asgari et al., 2023, 213) در پژوهش خود عواملی را به‌عنوان محرک‌های کلیدی مؤثر بر تاب‌آوری سکونتگاه‌های موقت در برابر بحران زلزله مطرح کرده‌اند؛ از جمله: کیفیت واحدهای مسکونی (نسبت سازه‌های نوسازی و تخریبی به کل مساحت ساخته‌شده)، فاصله از گسل، کیفیت ساخت و اجرای سازه، قدمت ساختمان، مصالح ساختمانی (مصالح اسکلت و مصالح پی)، توجه به بهسازی و نوسازی ساختمان‌ها، دسترسی به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها، وضعیت زمین‌شناسی و سنگ‌شناسی، مکان‌یابی صحیح مراکز خدماتی در مواقع بحران، وجود دسترسی‌های متنوع و متعدد با کیفیت مناسب به نقاط مختلف شهر و تراکم جمعیت. در سطح بین‌المللی نیز مطالعاتی در این باب انجام شده است. در مطالعه‌ای که ساکنان واحدهای پیش‌ساخته در ژاپن را هدف قرار داده است، سکونت، فعالیت‌ها، تعاملات

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های پیشین و شکاف‌های موجود. مأخذ: نگارندگان

نویسنده	موضوع پژوهش	روش پژوهش	محدودیت‌ها و شکاف‌ها
Ertürk & Topal (2020)	سیاست‌های بازسازی و مسکن پس از زلزله‌های مرمه و وان	تحلیل سیاستی و اسنادی	تمرکز بر ابعاد مدیریتی و کالبدی؛ فقدان بررسی تجربه زیسته ساکنان
Beyhan & Taflı (2025)	چالش‌های مسکن پس از سانحه	مطالعه تحلیلی	تأکید بر مسائل عملکردی و اقتصادی؛ عدم توجه به ابعاد فرهنگی سکونت
Bostan & Demirtaş (2025)	کیفیت زندگی ساکنان واحدهای پیش‌ساخته در آدیامان	مطالعه میدانی	تمرکز بر پیامدهای کیفیت زندگی؛ عدم تبیین فرایند شکل‌گیری تجربه سکونت
Geylani (2025)	عوامل اقتصادی مؤثر بر بازسازی مسکن	تحلیل اقتصادی	غلبه رویکرد اقتصادی و مدیریتی؛ غفلت از روابط اجتماعی و فرهنگی
Jennings et al. (2024)	ساختار فضایی و تعاملات اجتماعی	تحلیل فضایی	بررسی محدود به ساختار فضایی؛ عدم مطالعه تجربه زیسته در شرایط پسابحران
Asgari et al. (2023)	تاب‌آوری سکونتگاه‌های موقت در برابر زلزله	تحلیل شاخص‌های تاب‌آوری	تمرکز بر شاخص‌های کالبدی و عملکردی؛ فقدان رویکرد پدیدارشناسانه و اجتماعی
Akaishi et al. (2021)	وضعیت روانی-اجتماعی ساکنان مسکن موقت در ژاپن	مطالعه میدانی	تفاوت زمینه فرهنگی؛ عدم تمرکز بر هویت مکانی و روابط اجتماعی
Carrasco & O'Brien (2022)	مسکن تدریجی پس از سانحه در شیلی	مطالعه موردی	تمرکز بر فرایند ساخت و مشارکت؛ عدم بررسی تجربه سکونت در واحدهای پیش‌ساخته

داده‌های تجربی حاصل از مصاحبه‌ها و در فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی استخراج شدند. با توجه به بافت فرهنگی خاص مناطق زلزله‌خیز ترکیه و تفاوت‌های اجتماعی میان جوامع محلی، استفاده از نظریه زمینه‌ای موجب شد یافته‌ها اعتبار بومی و قابلیت کاربرد در سیاست‌گذاری و طراحی اجتماعی مسکن پس از بحران را داشته باشند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته است که به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا در فضایی انعطاف‌پذیر، معناها، نگرش‌ها و دیدگاه‌های فردی مشارکت‌کنندگان را درباره ابعاد فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته واکاوی کنند.^۱

شرکت‌کنندگان پژوهش به‌صورت هدفمند و از میان ساکنان واحدهای پیش‌ساخته در چهار شهر زلزله‌زده ترکیه شامل قهرمان‌مرعش، هاتای، آدیامان و مالاتیا انتخاب شدند. معیار انتخاب شامل تجربه سکونت در واحدهای پیش‌ساخته، تمایل به مشارکت در پژوهش و تنوع در سن، جنسیت، سطح تحصیلات و ساختار خانوادگی بود. جامعه نمونه این پژوهش ۳۰ نفر از ساکنان مسکن‌های پیش‌ساخته بود که شامل هشت مصاحبه در قهرمان‌مرعش، هشت مصاحبه در هاتای، هفت مصاحبه در آدیامان و هفت مصاحبه در مالاتیا انجام شد. در **جدول ۲** مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان آورده شده است. مصاحبه‌ها در بازه زمانی خرداد تا شهریور ۱۴۰۴ انجام شدند. زبان اصلی مصاحبه‌ها ترکی و در برخی موارد همراه با ترجمه همزمان بود. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه متغیر بود. ترجمه همزمان مصاحبه‌ها توسط پژوهشگران مسلط به زبان‌های ترکی و فارسی انجام شد. به‌منظور اطمینان از دقت انتقال مفاهیم، فایل‌های صوتی و متن پیاده‌سازی شده به‌صورت مجدد با نسخه ترجمه‌شده تطبیق داده شدند و در موارد ابهام، مفاهیم کلیدی و عبارات فرهنگی در فرایند تحلیل بازبینی شدند. همچنین کدگذاری داده‌ها براساس متن اصلی و نسخه ترجمه‌شده به‌صورت تطبیقی کنترل شد تا از حفظ معنا و کاهش خطاهای تفسیری اطمینان حاصل شود. پرسش‌های مصاحبه پیرامون محورهای نظیر احساس تعلق مکانی، هویت فرهنگی، روابط همسایگی، سازگاری اجتماعی و برداشت ذهنی از مفهوم خانه طراحی شده‌اند. هم‌زمان با مصاحبه‌ها، از

انجام‌شده در حوزه اسکان پس از بحران، بر ابعاد کالبدی، فنی، مدیریتی، اقتصادی یا شاخص‌های تاب‌آوری متمرکز بوده‌اند و به تجربه زیسته ساکنان و فرایند شکل‌گیری معنا، هویت مکانی و روابط اجتماعی در مسکن‌های پیش‌ساخته کمتر توجه شده است. علاوه بر این، پژوهش‌های موجود عمدتاً با رویکردهای کمی، ارزیابی عملکردی یا تحلیل سیاستی انجام شده‌اند و مطالعات اندکی از روش‌های کیفی و نظریه زمینه‌ای برای فهم عمیق تجربه سکونت در شرایط پس از بحران بهره گرفته‌اند. بر این اساس، این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و نظریه زمینه‌ای، درصدد است فرایند شکل‌گیری تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران را از منظر ساکنان تبیین کند و نقش مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی را در بازسازی تدریجی زندگی روزمره، هویت مکانی و روابط اجتماعی آشکار سازد. براین اساس، برای تبیین ابعاد اجتماعی-فرهنگی تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران، چارچوب نظری پژوهش بر پایه مفاهیم سکونت موقت، هویت مکانی، سرمایه اجتماعی و فرهنگ و رفتار فضایی تدوین شده است.

روش پژوهش

این پژوهش با ماهیت کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای انجام شد. به همین منظور تمرکز پژوهش بر تجربه زیسته، ادراکات، احساسات و روایت‌های ساکنان و تبیین نحوه شکل‌گیری تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران، از منظر روابط اجتماعی، الگوهای فرهنگی و ادراک ساکنان از فضا بوده است. در واقع در این مطالعه، ساکنان به‌تنهایی به‌عنوان منابع داده مطرح نیستند، بلکه تجربه‌های روزمره و تفسیر آن‌ها از سکونت پس از بحران، مبنای اصلی تحقیق قرار گرفته است. از این‌رو، کشف و تبیین مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر پذیرش و سازگاری با مسکن‌های پیش‌ساخته در شرایط پس از بحران از دیدگاه ساکنان مطرح است.

اگرچه برخی مفاهیم اولیه پژوهش با اتکا به ادبیات نظری و مطالعات پیشین شناسایی شدند، اما این مفاهیم صرفاً به‌عنوان مفاهیم حساس‌کننده در نظر گرفته شدند و نقش آن‌ها هدایت اولیه فرایند تحلیل بود. مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و الگوهای نهایی مرتبط با تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته، براساس

جدول ۲. مشخصات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان. مأخذ: نگارندگان.

جنسیت	تعداد	گروه سنی	سطح تحصیلات	ساختار خانوادگی
مرد	۱۷ نفر	۱۸-۳۰ سال	۶ نفر ابتدایی	۱۹ نفر خانواده هسته‌ای
		۳۱-۴۵ سال	۱۲ نفر متوسطه	۸ نفر خانواده گسترده
زن	۱۳ نفر	۴۶-۶۰ سال	۹ نفر کارشناسی	۳ نفر تک‌نفره
		بالای ۶۰ سال	۳ نفر تحصیلات تکمیلی	

یادداشت‌برداری تحلیلی نیز به‌منظور درک عمیق‌تر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر سکونتگاه‌های موقت استفاده شد. علاوه بر مصاحبه‌های برخط، بازدیدهای میدانی محدودی نیز توسط پژوهشگران از سایت‌های اسکان موقت در شهرهای قهرمان‌مرعش، هاتای، آدیامان و مالاتیا انجام شد. این بازدیدها هم‌زمان با دوره انجام مصاحبه‌ها و با هدف مشاهده ویژگی‌های کالبدی و محیطی سکونتگاه‌ها، نحوه استقرار واحدهای پیش‌ساخته، فضاهای نیمه‌عمومی و مشترک و همچنین ثبت رفتارهای فضایی و الگوهای استفاده ساکنان از فضاهای جمعی انجام شد. مشاهدات حاصل از این بازدیدها در قالب یادداشت‌های میدانی و مستندات تصویری ثبت و به‌عنوان داده‌های تکمیلی در تفسیر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و فرایند تحلیل استفاده شد. داده‌های گردآوری‌شده با بهره‌گیری از الگوی سه‌مرحله‌ای استراوس و کربین (Strauss & Corbin, 1998/2011) و از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند؛ به‌گونه‌ای که امکان شناسایی الگوهای پنهان اجتماعی-فرهنگی و تبیین نحوه شکل‌گیری تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران را از منظر انسانی فراهم ساخته است. فرایند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت؛ به این معنا که پس از انجام مصاحبه‌ها، داده جدیدی که منجر به شکل‌گیری کد یا مقوله جدید شود، مشاهده نشد. همچنین به‌منظور افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد داده‌ها، مصاحبه‌ها به‌صورت مکرر مرور شدند، کدها و مقوله‌ها در مراحل مختلف تحلیل بازبینی شدند و همخوانی میان کدهای استخراج‌شده، نقل‌قول‌های شرکت‌کنندگان و تفسیرهای پژوهشگران به‌طور مستمر بررسی و بازبینی شد. علاوه بر این، مقایسه مستمر داده‌ها در فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی به پالایش و تثبیت مقوله‌های نهایی کمک کرد.

چارچوب نظری پژوهش

کشور ترکیه به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، یک کشور اوراسیایی به شمار می‌رود. بخش بزرگ کشور، یعنی آناتولی یا آسیای صغیر در جنوب باختر آسیا و خاورمیانه واقع است و بخش کوچک آن نیز به نام تراکیه در منطقه بالکان و در جنوب خاور اروپا قرار دارد (Soltanzadeh & Hassanpour, 2015, 52) که همواره نیز زمین‌لرزه‌های بزرگ و کوچک در نقاط مختلف کشور رخ می‌دهد. در روز دوشنبه شش فوریه سال ۲۰۲۳ میلادی، ساعت ۴:۱۷ بامداد، زمین‌لرزه‌ای با بزرگی دستگاهی (MW) ۷/۸ و عمق کانونی ۶/۸ کیلومتر در منطقه بازارجیک از توابع قهرمان‌مرعش، واقع در امتداد گسل شرق آناتولی رخ داد. این زمین‌لرزه ۸۶ ثانیه به طول انجامید و یازده شهر ترکیه را که در منطقه گسل شرق آناتولی واقع شده‌اند، تحت‌تأثیر قرار داد. حدود ۹ ساعت بعد در ساعت ۱۳:۲۴ همان روز، زمین‌لرزه‌ای

دیگر در منطقه البستان قهرمان‌مرعش روی گسل سورگو چارداک، بخش دیگری از گسل شرق آناتولی، به مدت تقریباً یک دقیقه با بزرگی دستگاهی (MW) ۷/۶ و عمق کانونی ۰/۷ کیلومتر رخ داد. زمین‌لرزه دوم، خسارات گسترده‌تری را در مناطقی که پیش‌تر از زمین‌لرزه نخست آسیب‌های قابل‌توجهی دیده بودند، به وجود آورد (AFAD, 2023, 1). در نتیجه این رخدادها، خسارات سنگینی در چندین استان و منطقه با جمعیتی حدود ۱۵ میلیون نفر به ثبت رسید و بیش از ۵۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند (Demir et al., 2025, 895). پیامدهای این فاجعه، نه‌تنها در مقیاس کالبدی و زیرساختی، بلکه در سطوح اجتماعی، فرهنگی و روانی جامعه نیز نمود یافت و ضرورت بازاندیشی در الگوهای اسکان پس از بحران را بیش از پیش آشکار ساخت.

با توجه به ماهیت مسئله این پژوهش، چارچوب نظری مطالعه بر چهار محور مفهومی اصلی استوار است. این محورها به‌منظور تبیین ابعاد مختلف تجربه سکونت در شرایط پس از بحران و ایجاد پیوندی میان کالبد، معنا و فضای زیسته ساکنان انتخاب شده‌اند:

محور نظری اول: مفاهیم مرتبط با مسکن پیش‌ساخته پس از بحران است. در این محور، مسکن پیش‌ساخته نه‌صرفاً به‌عنوان یک راه‌حل فنی و موقت، بلکه به‌مثابه بستری برای سکونت و زیست روزمره در شرایط بحرانی مورد توجه قرار گرفت. محور نظری دوم: مفاهیم مرتبط با هویت مکانی و احساس تعلق است، زیرا در شرایط بحران، افراد بیش از فضا، معنا و امنیت روانی خود را از دست می‌دهند و تأثیرات گسست مکانی بر هویت در شرایط بحرانی آشکار می‌شود. این محور به بررسی تأثیر جابه‌جایی اجباری و سکونت موقت بر شکل‌گیری یا تضعیف هویت مکانی و احساس تعلق ساکنان می‌پردازد. محور نظری سوم: سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی است، زیرا زلزله ساختار ارتباطی محلات را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و اهمیت روابط همسایگی و فعالیت‌های اجتماعی در اسکان پس از بحران مد نظر است. محور نظری چهارم: فرهنگ و رفتار فضایی ساکنان است، زیرا خانواده، حریم، نقش‌ها و مناسبات فرهنگی تغییر می‌کند و چگونگی بازسازی هویت فرهنگی در وضعیت سکونت موقت مطرح است. در ادامه به تشریح مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته شد.

باوجود بهره‌گیری از مفاهیم نظری مطرح‌شده در ادبیات موضوع، رویکرد این پژوهش مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است. ازاین‌رو، مفاهیمی همچون هویت مکانی، سرمایه اجتماعی، روابط همسایگی، سازگاری فرهنگی و کیفیت زندگی صرفاً به‌عنوان مفاهیم حساس‌کننده استفاده شدند و نقش آن‌ها هدایت اولیه پژوهشگر در فهم مسئله و افزایش حساسیت نظری نسبت به داده‌ها بود. باین‌حال، مقوله‌ها و روابط مفهومی نهایی پژوهش از

ساخت خانه‌های موقت در مدت زمان کوتاه عملاً دشوار است. به طور خاص، مشکلات فنی مربوط به تدارکات و سرعت نصب وجود دارد. بنابراین، ویژگی قابلیت استقرار که می‌تواند روند کار را سرعت بخشد، در این زمینه مطرح می‌شود (Süalp & Coşgun, 2023, 510).

از منظر اجتماعی، واحدهای سرپناه موقت، از طریق پاسخ‌گویی به نیازهای روانی-اجتماعی بازماندگان بلایا، تقویت شکل‌گیری اجتماع، تضمین دسترسی برای گروه‌های آسیب‌پذیر و حفظ عناصر فرهنگی و سنتی محلی، می‌توانند به ارتقای انسجام و همبستگی اجتماعی کمک کنند. این عوامل، نه‌تنها روند بهبود شرایط زیستی را تسهیل می‌کنند، بلکه در کاهش پیامدهای روانی و اجتماعی بحران نیز مؤثرند (Sever et al., 2025, 390).

در واقع، بازسازی پس از بحران نباید صرفاً بر سرعت تأمین سرپناه و بازسازی فیزیکی متمرکز باشد، بلکه باید ابعاد اجتماعی، فرهنگی و تجربه زیسته ساکنان نیز در فرایند بازسازی مورد توجه قرار گیرد. مشارکت ساکنان، حفظ پیوندهای اجتماعی و توجه به زمینه فرهنگی هر جامعه، نقشی مهم در اسکان و بازسازی پس از بحران دارد (Barakat, 2020, 437-446).

برای ناساس، طراحی مسکن موقت پس از زلزله، علاوه بر سریع و کاربردی بودن، باید زمینه را برای مسکن دائمی پس از زلزله فراهم کند. انتخاب صحیح مکان، توجه به نیازهای متنوع کاربران و اتخاذ رویکردی انسان‌محور، از جمله عواملی هستند که می‌توانند به بازگشت تدریجی ساکنان به الگوهای زندگی پیش از بحران کمک کنند. در غیر این صورت، فقدان حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های موقت می‌تواند به بروز مشکلات روانی و جامعه‌شناختی در میان ساکنان منجر شود (Aras & Seymen, 2024, 1). در تصویر ۱ نمونه‌هایی از مسکن پیش‌ساخته در شرایط زلزله در ترکیه نشان داده شده است.

• هویت مکانی و احساس تعلق

بحران زلزله در ترکیه سبب تخریب گسترده خانه‌ها، جابه‌جایی جمعیت و زمینه‌سازی برای اسکان موقت در واحدهای پیش‌ساخته شد و به نوعی سبب گسست هویت مکانی و احساس تعلق شد. در واقع، هویت مکان، ابعادی از ساختار «خود» فرد است که هویت شخصی را در ارتباط با مکان، براساس باورها، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها، اهداف، تمایلات رفتاری و مهارت‌های وی در رابطه با مکان، به‌صورت آگاهانه و ناآگاهانه تبیین می‌کند. این هویت مکان، در عین اینکه وابسته

پیش تعیین نشده بودند، بلکه براساس داده‌های تجربی حاصل از مصاحبه‌ها و در فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی استخراج و تبیین شدند.

• مسکن موقت پس از بحران

گذشت زمان و گسترش فزاینده بلایای طبیعی موجب افزایش نیاز به اسکان موقت در مقیاس جهانی شده است. در میان این چالش‌ها، تأمین سرپناه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تأمین نیازهای اساسی جوامع آسیب‌دیده برجسته است. راهکارهای اسکان موقت پس از سانحه بسته به نوع فاجعه، ساختار جمعیت آسیب‌دیده، نیازهای خاص ساکنان، منابع موجود و اولویت‌های تصمیم‌گیرندگان متفاوت است (Kalkan, 2025, 266). با این حال، مسکن موقت، بخشی حیاتی اما بحث‌برانگیز از فرایند بازسازی پس از فاجعه است؛ خانواده‌هایی که در اثر بلایا خانه‌های خود را از دست داده‌اند، نیازمند فضایی خصوصی، امن و قابل‌اتکا برای ازسرگیری فعالیت‌های روزمره خود در کوتاه‌ترین زمان ممکن هستند. در مقابل، برنامه‌های مسکن موقت در بسیاری از موارد با هزینه‌های بالا، تأخیر در اجرا و پیامدهای نامطلوب بر محیط شهری همراه بوده‌اند (Johnson, 2007, 36).

باوجود این، برنامه‌های بازسازی مسکن نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود پس از فاجعه دارند و تأمین مسکن موقت گامی اساسی در این برنامه‌ها است. در طول بازسازی مسکن دائمی، به قربانیان این امکان داده می‌شود که مکانی خصوصی و امن برای بازگشت به زندگی عادی خود داشته باشند. این امر پس از بزرگ‌ترین بلایای طبیعی به‌طور گسترده استفاده شده است، اما همچنین به‌دلیل ناپایداری و ناکافی بودن از نظر فرهنگی، مورد انتقاد بسیاری قرار گرفته است (Felix et al., 2013, 136).

از این منظر، مسکن موقت نباید صرفاً به‌عنوان سرپناهی اضطراری در نظر گرفته شود، بلکه لازم است کیفیت زندگی حداقلی را برای ساکنان فراهم آورد. مؤلفه‌هایی نظیر عایق حرارتی مناسب، محافظت در برابر شرایط اقلیمی، تأمین حریم خصوصی و امنیت، به‌ویژه در مناطقی با شرایط آب‌وهوایی شدید، از الزامات اساسی طراحی این واحدها به‌شمار می‌روند (Ladiana & Claut, 2024, 518).

از منظر زمانی، خانه‌های موقت معمولاً در مرحله توانبخشی مورد نیاز هستند که چند هفته پس از فاجعه پدیدار می‌شوند و تا پایان ساخت خانه‌های دائمی ادامه دارند. با این حال،



تصویر ۱. نمونه‌هایی از مسکن پیش‌ساخته در آدیامان. مأخذ: www.turkeyrecap.com

بیشتری به تعامل با دیگران، مشارکت در فعالیت‌های جمعی و برقراری روابط همسایگی از خود نشان می‌دهند. در مقابل، از دست رفتن این پیوند آن گونه که رلف (Relph, 1976) در مفهوم «بی مکانی» مطرح می‌کند، به گسست رابطه معنایی فرد با محیط پیرامون می‌انجامد و می‌تواند زمینه‌ساز انزوای اجتماعی، کاهش اعتماد متقابل و تضعیف شبکه‌های همسایگی شود.

در این میان، مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فهم روابط اجتماعی سکونتگاه‌ها مطرح می‌شود. پاتنام (Putnam, 2000, 73) سرمایه اجتماعی را حاصل کنش‌های اجتماعی، تعاملات روزمره و مشارکت‌های جمعی می‌داند که به صورت شبکه‌های اعتماد، هنجارهای مشترک و همکاری متقابل بروز می‌یابد. در تعریفی مکمل، کلمن (Coleman, 1990, 74) سرمایه اجتماعی را به عنوان منبعی می‌نگرد که درون ساختارهای اجتماعی نهفته است و توانایی افراد را برای کنش جمعی و برقراری ارتباط مؤثر افزایش می‌دهد. از منظر بوردیو، سرمایه اجتماعی در پیوندی مستقیم با قدرت و ساختارهای اجتماعی تعریف می‌شود و به مجموع منابع بالفعل و بالقوه‌ای اشاره دارد که از طریق شبکه‌های پایدار روابط اجتماعی در دسترس افراد قرار می‌گیرد. برای ناساس، سرمایه اجتماعی نقشی اساسی در فرایندهای بازسازی و نوسازی دارد و می‌توان آن را به عنوان ارزش نهفته در روابط میان ساکنان تعریف کرد (Li et al., 2022, 1). پژوهش‌های تجربی نیز بر نقش تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی در رفاه ساکنان تأکید دارند. کرام (Cramm et al., 2013, 147) نشان می‌دهند که سطح سرمایه اجتماعی افراد و کیفیت خدمات و امکانات موجود در یک مکان، ارتباط مستقیمی با رفاه ذهنی و اجتماعی ساکنان دارد و در سطوح بالاتر، به سازمندی اجتماعی مؤثرتر و ارائه حمایت‌های ابزاری و عاطفی درون جامعه منجر می‌شود.

این مفاهیم اهمیت شبکه‌های همسایگی و کنش‌های جمعی را، به ویژه در شرایط بحرانی و پس از بحران، برجسته می‌سازد. در بستر اسکان موقت پس از بحران، که اغلب با جابه‌جایی اجباری، ناپایداری فضایی و گسست روابط پیشین همراه است، سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی می‌توانند به عنوان سازوکارهایی جبرانی عمل کنند. تقویت این مؤلفه‌ها نه تنها به کاهش پیامدهای روانی و اجتماعی بحران کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بازسازی حس اعتماد، تعلق و همبستگی در سکونتگاه‌های موقت می‌شود. از این رو، تحلیل سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی، بخشی جدایی‌ناپذیر از فهم تجربه سکونت در مسکن‌های پیش ساخته پس از بحران به شمار می‌آید.

• فرهنگ و روابط فضایی

مسکن، فراتر از یک کالبد فیزیکی، پدیده‌ای عمیقاً فرهنگی است که در بستر خانواده، شیوه‌های زیست و الگوهای رفتاری

به فرد، تجارب خاص و نحوه جامعه‌پذیری اوست، بازتاب‌دهنده ویژگی‌های افراد و گروه‌هایی است که در یک مکان خاص زندگی می‌کنند (Proshansky et al., 1983, 155).

چنین تعریفی که از دیدگاه روان‌شناسی محیطی پدیدار می‌شود، بر جامعه‌پذیر شدن فرد با محیط فیزیکی از طریق تعامل پیچیده میان شناخت، ادراک و رفتار برای شکل‌گیری هویت در محیط اطراف خود تأکید دارد و منجر به اصطلاحات موازی مانند دلبستگی به مکان، منحصربه‌فرد بودن مکان یا حس مکان شده است (Jang et al., 2024, 2).

از نظر پنگ، «هویت مکانی افراد» و «هویت مکانی مکان» با هم همپوشانی دارند اما یکسان نیستند. هر دو ساختار، پیوندهای ذهنی یا عاطفی بین انسان و دنیای فیزیکی را در بر می‌گیرند. هویت مکانی افراد، بخشی از شخصیت فرد مرتبط با مکان‌هایی است که در شکل‌گیری هویت آن‌ها اهمیت دارند. هویت مکانی مکان، شخصیت مکان است. چنین شخصیتی، در بیشتر موارد، توسط مردم به مکانی که در آن زندگی می‌کنند یا به آن اهمیت می‌دهند، نسبت داده می‌شود. هر دو مفهوم، پیوندهای ذهنی و عاطفی میان انسان و محیط فیزیکی را در بر می‌گیرند، اما یکسان نیستند (Peng et al., 2020, 14). در این مرحله، نقش خانه و فضای زیست، اهمیتی بنیادین می‌یابد. از دیدگاه پدیدارشناختی، سکونت انسان نه صرفاً در سطح کالبدی، بلکه در سطح معنا، تجربه زیسته و نسبت وجودی با مکان تحقق می‌یابد. نوربرگ شولتز (Norberg-Schulz, 1980, 5-10) مکان را حامل کیفیتی وجودی می‌داند که از رابطه ادراکی، حسی و فرهنگی انسان با محیط پدید می‌آید؛ کیفیتی که امکان «بودن در جهان» را برای انسان فراهم می‌سازد.

در مقابل، رلف (Relph, 1976, 42) با طرح مفهوم «بی مکانی»، به وضعیتی اشاره می‌کند که در آن فرد پیوند معنایی و هویتی خود را با محیط از دست می‌دهد. او تأکید می‌کند که مکان تنها زمانی معنادار است که فرد آن را «خودی» بداند و بتواند در آن حضور اصیل و معنادار را تجربه کند. توان (Tuan, 1977, 136-138) نیز شکل‌گیری احساس تعلق را نتیجه تجربه‌های زیسته، خاطره جمعی و امنیت عاطفی می‌داند. به عقیده او، خانه و محله زمانی به مکان سکونت‌پذیر تبدیل می‌شوند که فرد بتواند میان گذشته، حال و آینده خود در آن مکان، تداوم تجربی ایجاد کند. برای ناساس، از دست رفتن خانه در اثر بحران و جایگزینی آن با سکونتگاه‌های موقت فاقد معنا، می‌تواند این تداوم را مختل کند و به تضعیف احساس تعلق و هویت مکانی منجر شود.

• سرمایه اجتماعی و روابط همسایگی

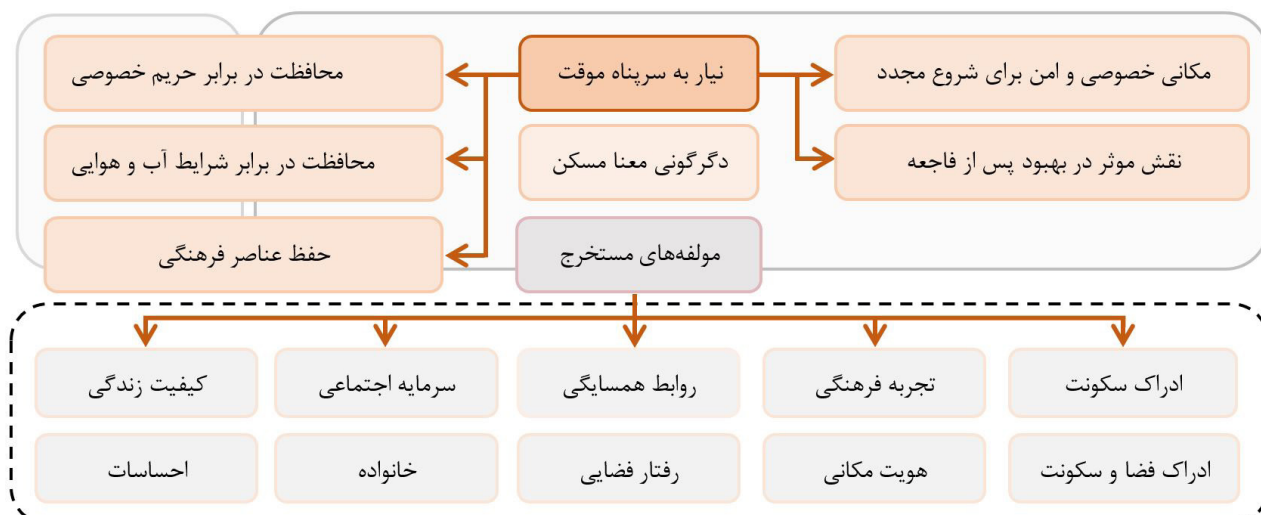
پیوند عاطفی افراد با محل سکونت، علاوه بر شکل‌دهی به احساس تعلق و هویت مکانی، بر کیفیت روابط اجتماعی و میزان مشارکت افراد در زندگی جمعی نیز تأثیرگذار است. زمانی که افراد نسبت به یک مکان احساس آشنایی، دلبستگی یا تعلق دارند، تمایل

از این رو، رفتار فضایی همواره در پیوندی متقابل با ساختار فضایی و زمینه فرهنگی شکل می‌گیرد. نحوه استفاده از فضاهای داخلی و مشترک، تعریف حریم‌ها، الگوهای تعامل خانوادگی و همسایگی، تمامی بازتابی از نظام‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان هستند. نادیده گرفتن این مؤلفه‌ها در طراحی و استقرار مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران، به منزله نادیده گرفتن شیوه‌های واقعی زندگی و تجربه زیسته ساکنان است. در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که فرهنگ و رفتار فضایی از عناصر کلیدی در درک تجربه سکونت به‌شمار می‌آیند و نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری احساس تعلق، کیفیت تعاملات اجتماعی و پذیرش سکونتگاه‌های موقت دارند. از این رو، پذیرش رویکرد انسان‌محور به فرهنگ و روابط فضایی، برای تحلیل و بازاندیشی در الگوهای مسکن پیش‌ساخته پس از بحران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. برای ناساس، مؤلفه‌های مستخرج از چارچوب نظری در تصویر ۲ ارائه شده‌اند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

در پی زمین‌لرزه‌های ویرانگر روز دوشنبه ۶ فوریه ۲۰۲۳ میلادی که در جنوب‌شرقی ترکیه رخ داد، مجموعاً ۱۱ شهر شامل قهرمان‌مرعش، هاتای، آدیامان، غازی‌آنتپ، مالاتیا، کیلیس، دیاربکر، آدانا، عثمانیه، شانلی‌اورفه و الازیغ به طور مستقیم تحت‌تأثیر این رویداد قرار گرفتند و خسارات گسترده جانی و مالی را متحمل شدند (AFAD, 2023, 1). گستره و شدت این زمین‌لرزه‌ها، موجب تخریب وسیع بافت‌های مسکونی و جابه‌جایی بخش قابل توجهی از جمعیت ساکن در این مناطق شد. محدوده مکانی این پژوهش بر چهار شهر آدیامان، مالاتیا، قهرمان‌مرعش و هاتای متمرکز است؛ شهرهایی که در زلزله مذکور بیشترین میزان تخریب و آسیب را تجربه کردند و بخش بزرگی از جمعیت آن‌ها ناچار به ترک محل سکونت خود و

اعضای آن معنا می‌یابد. در این معنا، هدف مسکن صرفاً تأمین سرپناه نیست، بلکه شکل‌دهی به یک واحد اجتماعی-فضایی است که بیش از آنکه متأثر از ساختارهای قدرت باشد، بازتاب‌دهنده فرهنگ، ارزش‌ها و مناسبات روزمره ساکنان است (Ayazi et al., 2024, 57). فرهنگ، نقشی بنیادین در نحوه ادراک، استفاده و سازماندهی فضاهای سکونتی ایفا می‌کند و تعیین‌کننده الگوهای رفتار فضایی در زندگی روزمره است. در این چارچوب، راپپورت^۳ با تأکید بر پیوند انسان‌شناسی و محیط ساخته‌شده، فرهنگ را یکی از مؤثرترین عوامل شکل‌دهنده رابطه میان محیط و رفتار انسانی می‌داند. از نگاه او، فضاهای مسکونی زمانی می‌توانند به سکونت معنادار بیانجامند که با الگوهای فرهنگی، عادات زیستی و نیازهای اجتماعی کاربران هم‌خوانی داشته باشند. محیط‌های مسکونی که از معناهای شخصی، تداوم اجتماعی-فرهنگی و همسویی عملکردی با زندگی روزمره پشتیبانی می‌کنند، زمینه‌ساز تقویت پیوند پایدار انسان-مکان هستند (Safarkhani, 2025, 25). از این رو، مسکن را باید نه تنها به عنوان یک سرپناه، بلکه به عنوان فضایی برای بروز فرهنگ و زندگی روزمره در نظر گرفت. در زمینه اسکان پس از بحران، اهمیت فرهنگ و رفتار فضایی پررنگ‌تر می‌شود. واحدهای پیش‌ساخته معمولاً براساس الگوهای استاندارد و یکسان طراحی می‌شوند و به تفاوت‌های فرهنگی، ساختارهای خانوادگی و شیوه‌های زیست محلی توجه کافی ندارند. این چشم‌پوشی می‌تواند به کاهش رضایت سکونتی و بروز ناسازگاری‌های فضایی و اجتماعی منجر شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مؤلفه‌هایی نظیر آسایش حرارتی و عوامل اجتماعی-فرهنگی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در رضایت کلی ساکنان از مسکن ایفا می‌کنند و بر پیامدهایی همچون سکونت ناقص یا حتی ترک واحدهای مسکونی پس از اسکان مجدد تأثیر می‌گذارند (Shrestha et al., 2023, 21).



تصویر ۲. مؤلفه‌های مستخرج از چارچوب نظری پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

شدند؛ به گونه‌ای که شرکت‌کنندگان دارای تجربه مستقیم سکونت در واحدهای پیش‌ساخته پس از بحران بودند. معیار انتخاب، علاوه بر تجربه سکونت، تمایل به مشارکت در مصاحبه و تنوع در سن، جنسیت و ساختار خانوادگی بود و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برخط گردآوری شد و انتخاب نمونه‌ها تادستیایی به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌طوری‌که پس از انجام ۳۰ مصاحبه، داده‌های جدید به تولید مفاهیم تازه منجر نشد.

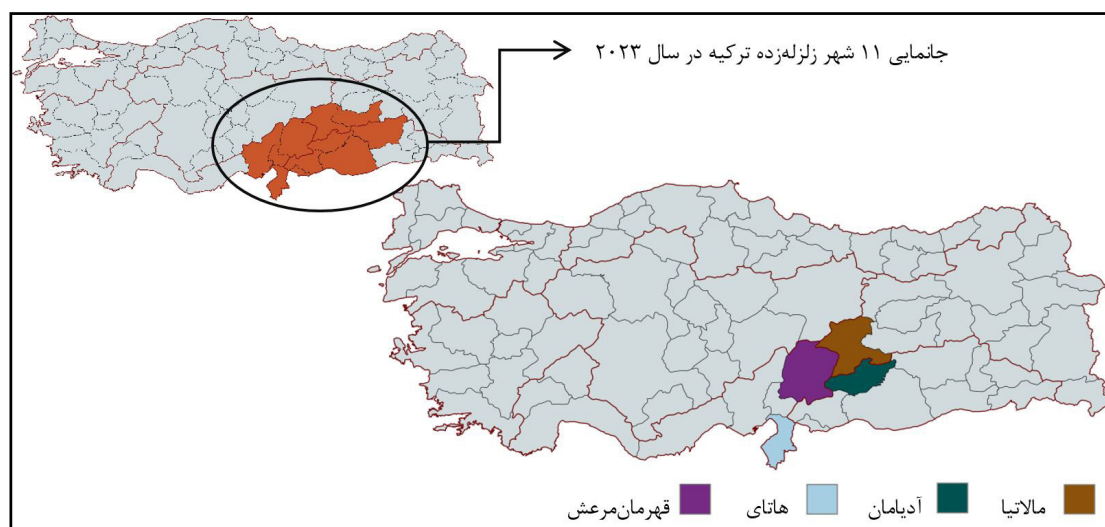
در راستای استخراج کدها و مقوله‌های پژوهش، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها بر مبنای رویکرد نظریه زمینه‌ای، به‌صورت کاملاً دقیق و مرحله‌به‌مرحله تحلیل شدند. در این فرایند، متون مصاحبه‌ها به‌صورت کلمه‌به‌کلمه بررسی شدند و مفاهیم اصلی مستقیماً از روایت‌ها و تجربه‌های شرکت‌کنندگان استخراج شدند. در مرحله کدگذاری باز، مصاحبه‌ها به‌صورت خط‌به‌خط خوانده شدند و کدهای اولیه براساس مضامین مطرح‌شده در پاسخ‌ها شناسایی شدند. این کدها بازتاب‌دهنده تجربه روزمره سکونت، احساسات فردی، الگوهای رفتاری، شیوه‌های تعامل اجتماعی و برداشت‌های ساکنان از زندگی در واحدهای پیش‌ساخته بودند.

در مرحله کدگذاری محوری، کدهای پراکنده استخراج‌شده در مرحله پیشین، براساس شباهت‌های مفهومی و روابط معنایی میان آن‌ها، در قالب دسته‌بندی‌های منسجم‌تری سازماندهی شدند. بدین ترتیب، کدهایی که دارای مفاهیم مشترک بودند، در مقوله‌های واحد قرار گرفتند و روابط میان آن‌ها تحلیل شد. در نهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی، از میان مقوله‌های شناسایی‌شده، یک مفهوم به‌عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد که توانایی تبیین و پیوند دادن سایر مقوله‌ها را دارا بود. این مقوله مرکزی، چارچوبی تحلیلی برای تفسیر تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران فراهم آورد و مبنای ارائه یافته‌های نهایی پژوهش قرار گرفت. نتایج کدگذاری باز پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است.

اسکان در واحدهای پیش‌ساخته شدند. انتخاب این شهرها، با توجه به شدت خسارات، گستردگی اسکان موقت و تنوع اجتماعی-فرهنگی موجود در آن‌ها، امکان بررسی عمیق‌تر تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته را فراهم می‌سازد. شهر آدیامان با تخریب شدید واحدهای مسکونی و گسست شبکه‌های اجتماعی مواجه شد؛ به گونه‌ای که واحدهای پیش‌ساخته برای بسیاری از خانوارها به فضای اصلی و طولانی‌مدت زندگی تبدیل شدند. مالاتیا، اگرچه نسبت به برخی دیگر از شهرهای مورد مطالعه آسیب کمتری را تجربه کرد، اما ساکنان آن همچنان با چالش‌های قابل توجه اجتماعی، روانی و سکونتی روبرو شدند. شهر قهرمان‌مرعش، به دلیل نزدیکی به کانون اصلی زلزله، دچار تخریب گسترده و جابه‌جایی وسیع جمعیت شد و در آن، سکونت در واحدهای پیش‌ساخته برای بخش بزرگی از ساکنان به تجربه‌ای فراتر از یک اسکان موقت بدل شد. شهر هاتای نیز با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی خاص خود، الگوهای متفاوتی از سازگاری و تجربه سکونت در شرایط پس از بحران را به نمایش گذاشت. گستردگی اسکان پیش‌ساخته و تنوع زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی موجود در چهار شهر، امکان شناسایی الگوهای مشترک و تفاوت‌های محلی در تجربه سکونت پس از بحران را فراهم کرده است. از این رو، انتخاب این محدوده‌ها بستری مناسب برای تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته ایجاد می‌کند. جانمایی محدوده مورد مطالعه در تصویر ۳ ارائه شده است.

یافته‌ها

جامعه نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از ساکنان واحدهای پیش‌ساخته در چهار شهر هاتای، قهرمان‌مرعش، آدیامان و مالاتیا بود که پس از زلزله سال ۲۰۲۳ میلادی تجربه اسکان موقت را داشته‌اند. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب



تصویر ۳. جانمایی محدوده مورد مطالعه پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۵. کدگذاری باز پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

کدهای باز	مؤلفه‌های مرتبط	نقل قول مصاحبه‌کنندگان (مقوله‌های مفهومی)
انتظار جابه‌جایی، احساس موقتی بودن، ناتمام بودن زندگی	ادراک سکونت	- فضا نتوانسته معنا و احساس تعلق ایجاد کند. - بسیاری از مشارکت‌کنندگان، فضای سکونت موقت را فاقد حس خانه و تعلق مکانی توصیف کردند. یکی از ساکنان در این زمینه بیان می‌کند: «فضا برای ما حس خانه نداشت. همه چیز موقت و ناآشنا بود و حتی بعد از چند ماه هنوز احساس نمی‌کردیم واقعاً به آنجا تعلق داریم». (مشارکت‌کننده ۷، هاتای) - این روایت نشان می‌دهد که ناپایداری فضایی و فقدان عناصر آشنا، در تضعیف هویت مکانی و احساس تعلق ساکنان نقش مؤثری داشته است.
یکنواختی واحدها، کوچک بودن فضا، فقدان انعطاف‌پذیری	ادراک فضا	«باوجود موقتی بودن خانه‌ها، نحوه چیدمان روی آرامش ما تأثیر خاصی نداشت».
فقدان حس خانه، بیگانگی با محیط، نبود نشانه‌های آشنا	هویت مکانی	- آن جا حس خانه واقعی را نداشت بیشتر شبیه توقفگاه بود. فضا برایمان ناآشنا بود.
محدودیت آیین‌ها، دشواری مهمانی، تغییر عادات روزمره	تجربه فرهنگی	«برخی از عادات و رفتارهای روزمره دیگر مثل قبل قابل انجام نیست. در انجام مراسمات دچار محدودیت شدید بودیم».
کاهش حریم خصوصی، تنش خانوادگی، سازگاری اجباری	خانواده	«فضا کوچک بود ولی خانواده‌مان به هم نزدیک‌تر شده بود». - برخی مشارکت‌کنندگان، محدودیت فضایی و کاهش حریم خصوصی را از مهم‌ترین چالش‌های سکونت در واحدهای پیش‌ساخته عنوان کردند: «دیوارها بسیار نازک بودند و صدای همه شنیده می‌شد. حتی برای صحبت‌های خانوادگی هم احساس آرامش نداشتیم» (مشارکت‌کننده ۴، قهرمان مرعش). - این مسئله نشان می‌دهد که تراکم فضایی و نبود تفکیک عملکردی مناسب، بر کیفیت تجربه سکونت و آرامش روانی ساکنان تأثیرگذار بوده است.
تغییر چیدمان، استفاده چندمنظوره از فضا، تصرف فضاهای پیرامونی	رفتار فضایی	برخی ساکنان تلاش کردند از طریق شخصی‌سازی فضا، احساس تعلق بیشتری ایجاد کنند: «کم‌کم سعی کردیم فضای بیرون را تغییر دهیم؛ سایه‌بان گذاشتیم، گل آوردیم و ورودی را شبیه خانه‌های قبلی خودمان کردیم» (مشارکت‌کننده ۱۸، مالاتیای). - این کنش‌ها نشان‌دهنده تلاش ساکنان برای بازتعریف فضای موقت و تبدیل آن به محیطی آشنا و قابل سکونت است.
آشنای سطحی، گفتگوی کوتاه، روابط ناپایدار	روابط همسایگی	در عین حال، برخی ساکنان از تقویت تعاملات اجتماعی پس از بحران سخن گفتند: «بعد از زلزله مردم بیشتر با هم صحبت می‌کردند، چون همه شرایط مشابهی داشتند و سعی می‌کردند به هم کمک کنند» (مشارکت‌کننده ۱۵، مالاتیای). - روایت فوق نشان‌دهنده این است که تجربه مشترک بحران، زمینه شکل‌گیری نوعی همبستگی اجتماعی موقت را در سکونتگاه‌های پیش‌ساخته فراهم کرده است.
اعتماد محدود، کمک متقابل مقطعی، همبستگی در شرایط بحران	سرمایه اجتماعی	«اگر همسایه‌ها نبودند، تحمل این شرایط خیلی سخت‌تر می‌شد. خیلی وقت‌ها کمک‌های اصلی را از اطرافیان می‌گرفتیم» (مشارکت‌کننده ۹، هاتای). - این اظهارات نشان می‌دهد که روابط همسایگی و حمایت‌های غیررسمی، بخشی از فشارهای ناشی از شرایط پسابحران را کاهش داده‌اند.
تجمع‌های غیررسمی، نقش فضاهای نیمه‌عمومی، تعاملات روزمره	فضاهای مشترک	«بیشتر ارتباط ما در فضای بین کانکس‌ها شکل می‌گرفت. بچه‌ها آنجا بازی می‌کردند و خانواده‌ها عصرها کنار هم می‌نشستند» (مشارکت‌کننده ۲۱، هاتای). - این موضوع نشان می‌دهد که فضاهای نیمه‌عمومی، نقشی کلیدی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و بازسازی روابط همسایگی ایفا کرده‌اند.
احساس امنیت فیزیکی، ناامنی روانی، دل‌تنگی	احساسات	«شب‌ها احساس امنیت نداشتیم. کوچک‌ترین صدا ما را مضطرب می‌کرد و هنوز ترس زلزله در ذهنمان باقی مانده بود. زندگی در این فضاها آرامش روانی کامل ایجاد نمی‌کرد» (مشارکت‌کننده ۱۱، آدیامان). - این تجربه حاکی از آن است که ناامنی روانی و تداوم اضطراب پس از بحران، بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربه سکونت در واحدهای پیش‌ساخته بوده است.
رضایت نسبی، فرسودگی روانی، امید محتاطانه به آینده	کیفیت زندگی	«زندگی نسبت به روزهای اول بهتر شده، اما هنوز احساس می‌کنیم در وضعیت موقت زندگی می‌کنیم. بسیاری از عادات و آرامش قبلی را از دست داده‌ایم» (مشارکت‌کننده ۲۴، قهرمان مرعش). - داده‌ها حاکی از آن هستند که کیفیت زندگی ساکنان، حتی پس از گذشت زمان، همچنان تحت تأثیر شرایط ناپایدار سکونتی قرار دارد.

اسکان اضطراری، نااطمینانی نسبت به آینده بوده است. کنش‌ها عمدتاً در قالب رفتارهای تطبیقی، بازتعریف استفاده از فضا و تعاملات اجتماعی محدود بروز یافته‌اند. پیامدها نیز به صورت حفظ حداقلی روابط اجتماعی، شکل‌گیری همبستگی‌های موقتی و تداوم زندگی روزمره در بستر سکونت موقت قابل مشاهده بوده است. در **جدول ۵** تصاویری از محدوده مورد مطالعه و تطبیق آن با کدهای مستخرج از پژوهش گردآوری شده است.

از طرفی، بر مبنای چارچوب نظری، پژوهش‌های اخیر نشان دادند که در شرایط پس از بحران، کیفیت زندگی ساکنان بیش از آنکه صرفاً به ویژگی‌های فیزیکی مسکن وابسته باشد، به کیفیت روابط اجتماعی، الگوهای زندگی جمعی و توان‌سازی فرهنگی مرتبط است. از آنجاکه این پژوهش بر پایه نظریه زمینه‌ای انجام شده است، هدف آن صرفاً شناسایی مؤلفه‌ها نبوده، بلکه تبیین فرایند شکل‌گیری تجربه سکونت در شرایط پس از بحران را نیز دنبال کرده است. در نتیجه، بررسی هم‌زمان شرایط، کنش‌ها و پیامدها، امکان درک روابط علی و پیامدی میان عوامل اجتماعی-فرهنگی را فراهم ساخته و به استخراج مدل مفهومی پژوهش انجامیده است. این مدل در **تصویر ۴** ارائه شده است.

بحث

بر مبنای مفهوم «سکونت موقت» که در چارچوب نظری پژوهش مطرح شد، تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران را نمی‌توان به عنوان وضعیتی صرفاً موقت یا گذرا تحلیل کرد، بلکه باید آن را فرایندی پویا، ناپایدار و وابسته به کنش‌مندی اجتماعی ساکنان دانست، چراکه مسائل و مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی و موقت، ماهیتاً چندوجهی و چندبعدی هستند (**Asgari & Arbabi Sabzevari, 2024, 161**). یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در غیاب معناهای مکانی پایدار، ساکنان از طریق روابط همسایگی، سازگاری فرهنگی و بازتعریف استفاده از فضا می‌کوشند کیفیت زندگی و رضایت سکونتی را به صورت تدریجی بازسازی کنند.

پس از شناسایی کدهای اولیه، در مرحله کدگذاری محوری، کدهای باز براساس ارتباطات مفهومی و روابط علی میان آن‌ها سازمان‌دهی شدند. در این فرایند، پیوند میان شرایط زمینه‌ای، کنش‌ها و راهبردهای ساکنان و پیامدهای سکونتی مشخص شد و برای ناساس، شش مقوله محوری شکل گرفت که ابعاد اصلی تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران را تبیین می‌کنند. این مقوله‌ها چارچوبی تحلیلی برای درک چگونگی شکل‌گیری تجربه زیسته ساکنان فراهم می‌آورند و نقش واسط میان داده‌های تجربی و مقوله مرکزی پژوهش را ایفا می‌کنند. در **جدول ۴** مقوله‌های محوری و نحوه ارتباط آن‌ها با کدهای باز معرفی شده‌اند.

در مرحله کدگذاری گزینشی، از میان کدها و مقوله‌های مستخرج در مراحل پیشین، یک مقوله واحد به عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شد که توانایی پیوند دادن تمامی مقوله‌های محوری و تبیین فرایند اصلی تجربه سکونت ساکنان و اسکان در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران را دارا بود. برای ناساس، «بازسازی تدریجی زندگی اجتماعی-فرهنگی در بستر سکونت موقت» به عنوان مقوله هسته‌ای پژوهش شناسایی شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که رضایت سکونتی و کیفیت زندگی ساکنان، حاصل یک فرایند پویا و تدریجی است. در شرایط محدود و نسبتاً دشوار فضایی و اجتماعی، ساکنان از طریق کنش‌های تطبیقی، بازتعریف روابط همسایگی و تلاش برای حفظ آیین‌ها و عادات فرهنگی، می‌کوشند زندگی روزمره خود را در سکونتگاه‌های موقت بازسازی کنند. هرچند این فرایند بازسازی، به دلیل محدودیت‌های ساختاری و زمانی، به طور کامل محقق نمی‌شود، اما نقشی مهم در حفظ سطحی از رضایت نسبی و پایداری روانی-اجتماعی ایفا می‌کند.

با توجه به ماهیت نظریه زمینه‌ای که بر تبیین فرایندها و تحلیل عمیق کنش‌ها، شرایط و پیامدها استوار است، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که واکنش ساکنان به شرایط موجود، نه منفعلانه، بلکه مبتنی بر راهبردهای سازگاری و کنش‌مندی اجتماعی بوده است. در این چارچوب، شرایط زمینه‌ای شامل وقوع زلزله سال ۲۰۲۳ میلادی قهرمان‌مرعش، تخریب مسکن‌های پیشین،

جدول ۴. مقولات محوری و ارتباط آن‌ها با کدهای باز. مأخذ: نگارندگان.

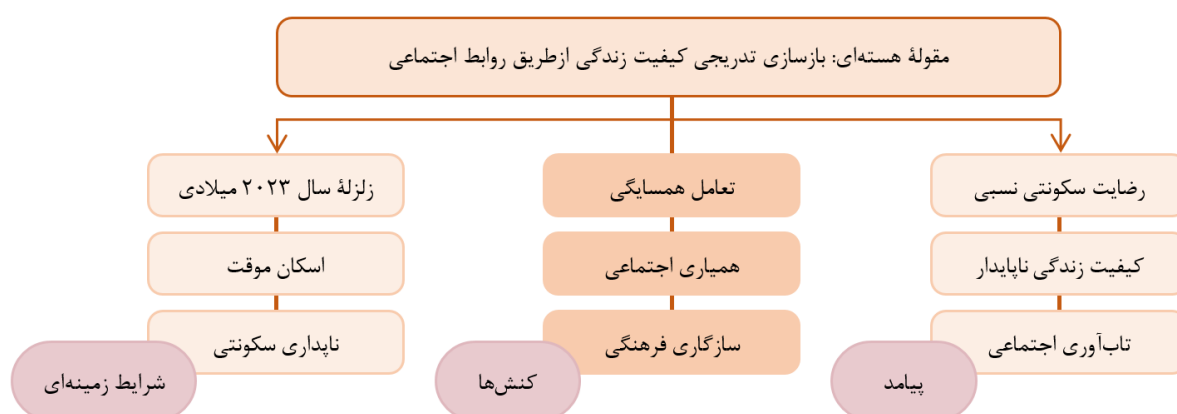
پاسخ‌های مستخرج از مصاحبه‌ها	کدهای مرتبط	مقوله محوری
فضا نتوانسته معنا و احساس تعلق ایجاد کند.	فقدان حس خانه، بیگانگی با محیط، یکنواختی فضایی	ضعف هویت مکانی
فضا با شیوه‌های زندگی و الگوهای فرهنگی سازگار نیست.	محدودیت آیین‌ها، تغییر عادات روزمره	ناسازگاری فرهنگی فضا
روابط اجتماعی شکل میگیرد اما تداوم ندارد.	تعاملات سطحی، نبود صمیمیت	روابط همسایگی شکننده
همبستگی اجتماعی کوتاه مدت و وابسته به شرایط بحران است.	اعتماد محدود، کمک متقابل مقطعی	سرمایه اجتماعی ناپایدار
ساکنان به صورت فعال با شرایط سکونت کنار می‌آیند.	تغییر چیدمان، تصرف و بازتعریف فضا	کنش تطبیقی ساکنان
برخی فضاها بستر تعامل اجتماعی را فراهم می‌کنند.	تجمع‌های غیررسمی، گفت‌وگوهای روزمره	نقش فضاهای نیمه عمومی

جدول ۵. تصاویری از محدوده مورد مطالعه و تطبیق آن با کدهای مستخرج از پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	تصویر	محدوده
ساکنان، این فضاها را برای نشستن، گفتگو، بازی کودکان و برگزاری برخی فعالیت‌های روزمره استفاده می‌کردند.		فضای نیمه‌عمومی میان واحدها به‌عنوان فضایی برای تعاملات اجتماعی در هاتای
شخصی‌سازی فضای ورودی از طریق افزودن عناصر نیمه‌ثابت، گلدان و سایه‌بان در واحدهای پیش‌ساخته؛ نشانه‌ای از تلاش ساکنان برای بازتعریف حس تعلق و هویت مکانی.		نمونه‌ای از شخصی‌سازی فضای ورودی توسط ساکنان مالاتیا
چیدمان خطی واحدها در دو طرف مسیر مرکزی باعث شکل‌گیری فضای نیمه‌عمومی و تعاملات روزمره میان ساکنان شده است.		نمای کلی از نحوه استقرار واحدهای پیش‌ساخته در قهرمان مرعش
فضای محدود واحدها باعث انجام همزمان چندین فعالیت (استراحت، پخت‌وپز، غذاخوری و مطالعه) در یک محیط مشترک شده است که بر حریم خصوصی و کیفیت سکونت تأثیر می‌گذارد.		نمای داخلی یک واحد پیش‌ساخته
		نمونه‌ای از شخصی‌سازی فضاها، ورودی واحدها، تعاملات همسایگی
		نمونه‌ای از سازگاری و توسعه غیررسمی فضا توسط ساکنان

کیفیت تجربه سکونت را شکل می‌دهند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های موقت، بدون توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی سکونت، امکان‌پذیر نیست؛ چراکه سکونت در واحدهای پیش‌ساخته پس از بحران، تجربه‌ای چندلایه، پویا و وابسته به زمینه است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اگرچه تجربه سکونت در چهار شهر مورد مطالعه پژوهش (هاتای، قهرمان مرعش، آدیامان و مالاتیا) از الگوی کلی

بر مبنای پرسش اصلی پژوهش، می‌توان بیان کرد که مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر رضایت سکونتی و کیفیت زندگی ساکنان در واحدهای پیش‌ساخته پس از زلزله سال ۲۰۲۳ میلادی ترکیه، شامل هویت مکانی، میزان سازگاری فرهنگی فضا، کیفیت روابط همسایگی و سطح سرمایه اجتماعی است. این مؤلفه‌ها نه به‌صورت منفک، بلکه در قالب شبکه‌ای درهم‌تنیده عمل می‌کنند و از طریق کنش‌های روزمره ساکنان،



تصویر ۴. مدل مفهومی پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله «بازسازی تدریجی زندگی اجتماعی و فرهنگی در بستر سکونت موقت» به عنوان محور اصلی تحلیل شناسایی شد. این مقوله نشان می‌دهد که رضایت سکونتی و کیفیت زندگی، نه یک وضعیت ایستا، بلکه نتیجه فرایندی تدریجی، پویا و وابسته به کنش‌مندی ساکنان است. ساکنان در مواجهه با محدودیت‌های فضایی و اجتماعی، می‌کوشند معنا، روابط و الگوهای زندگی روزمره خود را بازتعریف کنند. این فرایند در هر چهار شهر مورد مطالعه قابل مشاهده است، اما تحت تأثیر شرایط محلی، شدت تخریب، ساختارهای اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی، اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد. در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأکید می‌کند که اسکان موقت پس از بحران، صرفاً یک مسئله کالبدی یا مدیریتی نیست، بلکه فرایندی اجتماعی-فرهنگی است که کیفیت آن به توان بازسازی تدریجی روابط، معنا و تجربه زیسته ساکنان وابسته است. این نتایج، ضرورت بازاندیشی در الگوهای طراحی و سیاست‌گذاری مسکن پیش‌ساخته را با تأکید بر رویکردی انسان‌محور و زمینه‌گرا برجسته می‌سازد. مقایسه تطبیقی این تجربه‌ها در **جدول ۶** ارائه شده است.

براساس مقایسه تطبیقی شهرهای مورد مطالعه در **جدول ۶**، تفاوت‌های مشاهده‌شده بیش از هر عامل دیگری، به سطح سرمایه اجتماعی، کیفیت روابط همسایگی و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان وابسته است. این مؤلفه‌ها تأثیری مستقیم و معنادار بر رضایت سکونتی و کیفیت زندگی دارند و نقشی تعیین‌کننده در چگونگی بازسازی تدریجی زندگی اجتماعی-فرهنگی در شرایط سکونت موقت ایفا می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حتی در بسترهای کالبدی مشابه، تفاوت در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به شکل‌گیری تجربه‌های سکونتی متفاوت منجر شود.

در نهایت، به تجربه سکونت و ویژگی‌های فضایی واحدهای پیش‌ساخته پرداخته شد. تجربه سکونت در واحدهای پیش‌ساخته تنها به کیفیت فیزیکی سرپناه محدود نبوده و بسیاری از احساسات و ادراکات ساکنان مستقیماً از ویژگی‌های

و مشترکی پیروی می‌کند، اما شدت، نحوه بروز و پیامدهای آن تحت تأثیر زمینه‌های محلی، تفاوت‌های معناداری دارد.

تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی، امکان تبیین روابط علی میان ابعاد فرهنگی و اجتماعی سکونت را فراهم ساخته است. در سطح کدگذاری باز، ادراک غالب ساکنان از سکونت در واحدهای پیش‌ساخته، ادراکی موقتی و ناپایدار است. احساس فقدان خانه، یکنواختی فضاها و بیگانگی با محیط، از مضامین پرتکرار در روایت‌های شرکت‌کنندگان بود. همچنین، محدودیت در اجرای آیین‌ها و آداب روزمره، کاهش حریم خصوصی و تغییر عادات زندگی، از جمله تجربه‌هایی هستند که فاصله میان نیازهای فرهنگی ساکنان و ویژگی‌های فضای سکونتی را آشکار می‌سازند.

در سطح روابط اجتماعی نیز، تعاملات همسایگی عمدتاً سطحی، کوتاه‌مدت و مبتنی بر شرایط اضطراری توصیف شده‌اند. اعتماد اجتماعی محدود بوده و کمک متقابل بیشتر در واکنش به بحران شکل گرفته است. با این حال، کدهای مرتبط به تغییر چیدمان فضا، استفاده چندمنظوره از واحدها و تصرف فضاهای پیرامونی نشان می‌دهد که ساکنان به صورت فعالانه در تلاش برای مدیریت و سازگاری با شرایط موجود بوده‌اند.

در مرحله کدگذاری محوری، این کدهای پراکنده در قالب چند مقوله اصلی سازماندهی شدند. ضعف هویت مکانی و ناسازگاری فرهنگی فضا به عنوان شرایط زمینه‌ای تجربه سکونت شناسایی شدند؛ شرایطی که به شکل‌گیری روابط همسایگی شکننده و سرمایه اجتماعی ناپایدار انجامیده‌اند. روابط اجتماعی در این سکونتگاه‌ها بیشتر بر پایه سرنوشت مشترک ناشی از بحران شکل گرفته و کمتر به تعلق پایدار به مکان منجر شده است. در مقابل، کنش‌های تطبیقی ساکنان از جمله تغییر چیدمان، استفاده خلاقانه از فضا و شکل‌گیری تعاملات غیررسمی، نقشی کلیدی در کاهش فشارهای روانی و تداوم زندگی روزمره ایفا کرده‌اند. در این میان، فضاهای نیمه‌عمومی، هر چند محدود، به عنوان بستر اصلی تعاملات اجتماعی عمل کرده و نقش واسط میان فضای خصوصی و جمعی را بر عهده داشته‌اند.

می‌کردیم، همه واحدها شبیه هم بودند. حس نمی‌کردیم اینجا بخشی از زندگی ماست.»

همچنین یافته‌ها نشان داد که کیفیت فضای مشترک نقش مهمی در تجربه روزمره ساکنان داشته است. در مجتمع‌هایی که فضای باز کوچک، محل نشستن یا فضای نیمه‌عمومی وجود داشت، تعاملات اجتماعی بیشتر شکل می‌گرفت و احساس انزوا کاهش پیدا می‌کرد. بسیاری از ساکنان بیان کرده‌اند که بخش مهمی از روابط همسایگی در همین فضاهای غیررسمی ایجاد شده است. یکی از شرکت‌کنندگان در آدیامان این‌گونه بیان کرد: «بیشتر آشنایی ما با همسایه‌ها جلوی واحدها یا در فضای بین کانکس‌ها شکل گرفت. همان فضای کوچک باعث می‌شد مردم بیشتر کنار هم باشند.»

در مقابل، در برخی سایت‌های اسکان که فضاهای مشترک محدود یا فاقد کیفیت اجتماعی بودند، شرکت‌کنندگان از احساس انزوا و کاهش تعاملات صحبت کردند. این مسئله نشان می‌دهد که تجربه سکونت در شرایط پس از بحران تنها به تأمین واحد مسکونی وابسته نیست، بلکه نحوه شکل‌گیری فضاهای جمعی و کیفیت محیط زندگی نیز نقش مهمی در رضایت و کیفیت زندگی ساکنان دارد. در **جدول ۷** ارتباط ویژگی‌های فضایی واحدهای پیش‌ساخته با تجربه سکونت ساکنان آمده است.

همان‌گونه که در **جدول ۷** مشاهده می‌شود، تجربه سکونت در واحدهای پیش‌ساخته صرفاً به تأمین سرپناه محدود نبوده و ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی آن با ویژگی‌های فضایی و محیطی سکونتگاه‌ها پیوند داشته است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند فشردگی فضایی، یکنواختی کالبدی

فضایی و محیطی این واحدها تأثیر گرفته است. بخش زیادی از شرکت‌کنندگان، فضای سکونت را کوچک، فشرده و فاقد انعطاف توصیف کرده‌اند. این مسئله به‌ویژه در خانواده‌های پرجمعیت باعث شده بود مرز مشخصی میان فعالیت‌های فردی و جمعی وجود نداشته باشد و ساکنان احساس کنند حریم شخصی آن‌ها کاهش یافته است.

یکی از شرکت‌کنندگان در آدیامان بیان کرد: «وقتی مهمان داشتیم یا می‌خواستیم درباره مسائل خانوادگی صحبت کنیم، احساس راحتی نداشتیم. فاصله واحدها کم بود و صداها به راحتی منتقل می‌شد. گاهی احساس می‌کردیم بخشی از زندگی خصوصی ما برای دیگران قابل مشاهده است.» این تجربه بیانگر آن است که محدودیت‌های کالبدی واحدهای پیش‌ساخته و تراکم استقرار آن‌ها، می‌تواند بر ادراک حریم خصوصی و آسایش روانی ساکنان تأثیر بگذارد و کیفیت تجربه سکونت را تحت تأثیر قرار دهد.

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در هاتای بیان کرد: «همه چیز در یک فضای کوچک اتفاق می‌افتاد؛ استراحت، غذاخوردن و حتی صحبت‌های خانوادگی. گاهی احساس می‌کردیم جایی برای خودمان نداریم.» در بسیاری از مصاحبه‌ها، ساکنان به یکنواختی و موقتی بودن محیط اشاره کرده‌اند. تکرار فرم‌های مشابه، نبود عناصر آشنا و فقدان نشانه‌های هویتی موجب شده بود برخی ساکنان نتوانند ارتباط عاطفی پایداری با محیط برقرار کنند. در نتیجه، واحدهای پیش‌ساخته بیشتر به عنوان «محل اقامت موقت» درک می‌شدند تا فضایی که حس خانه و تعلق ایجاد کند.

یکی از ساکنان قهرمان مرعش اظهار داشت: «وقتی از بیرون نگاه

جدول ۶. مقایسه تطبیقی تجربه سکونت بین شهرهای مورد مطالعه پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

شهر مورد مطالعه	نوع تجربه سکونت	مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی منطبق با پژوهش	رضایت سکونتی	تفسیر تحلیلی
قهرمان مرعش	تجربه سکونت ناپایدار و گسسته	احساس تعلق ضعیف، روابط همسایگی محدود، سرمایه اجتماعی متوسط	کم	تخریب گسترده و جابه‌جایی شدید جمعیت مانع بازسازی پایدار روابط اجتماعی شده است.
هاتای	همبستگی اجتماعی در شرایط فشار روانی	سرمایه اجتماعی بالا، روابط همسایگی فعال، حمایت اجتماعی	متوسط	شبکه‌های اجتماعی محلی نقش حفاظتی ایفا کرده‌اند، هرچند فشار روانی همچنان بالاست.
آدیامان	بازسازی اجتماعی فعال	مشارکت اجتماعی بالا، احساس تعلق قویتر، همیار محلی	نسبتاً خوب	کنش‌های اجتماعی فعال ساکنان به ارتقای تجربه سکونت و رضایت نسبی منجر شده است.
مالاتیا	سازگاری تدریجی با شرایط جدید	روابط خانوادگی قوی، احساس تعلق در حال شکل‌گیری، مشارکت محدود	متوسط	سازگاری آهسته و جایگزین با تأکید بر پیوندهای خانوادگی و کنش جمعی محدود شکل گرفته است.

جدول ۷. ارتباط ویژگی‌های فضایی واحدهای پیش‌ساخته با تجربه سکونت ساکنان. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه تجربه سکونت	ویژگی فضایی / محیطی مرتبط	تجربه و ادراک ساکنان	نقل قول
حریم شخصی	فشرده‌گی فضا و نبود تفکیک عملکردی	کاهش آرامش و افزایش تنش روزمره	احساس می‌کردیم فضای شخصی نداریم.
حس خانه	فرم یکنواخت و موقتی بودن خانه	ضعف تعلق مکانی و احساس موقتی بودن	اینجا بیشتر شبیه محل ماندن بود تا خانه.
تعامل اجتماعی	وجود فضاهای نیمه‌باز و مشترک	تقویت روابط همسایگی	بیشتر ارتباط‌ها جلوی واحدها شکل می‌گرفت.
احساس انزوا	کمبود فضاهای جمعی	کاهش تعاملات اجتماعی	بعضی روزها تقریباً کسی را نمی‌دیدیم.
تجربه فرهنگی	ناهماهنگی فضا با شیوه زندگی روزمره	تغییر برخی عادات‌های خانوادگی	دیگر مثل قبل نمی‌توانستیم شرایط خانوادگی نسبتاً پایداری داشته باشیم.
ادراک فضا	کوچکی و محدودیت انعطاف فضایی	احساس فشار و سکونت موقت	فضا خیلی محدود بود و همه چیز در هم ادغام شده بود.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، نقش احساس تعلق مکانی در سازگاری ساکنان با شرایط پس از بحران است. بسیاری از شرکت‌کنندگان بیان کردند که واحدهای پیش‌ساخته در ماه‌های ابتدایی فاقد حس خانه و هویت مکانی بوده‌اند. یکنواختی کالبدی، شباهت واحدها، نبود عناصر شخصی و موقتی بودن فضا موجب تضعیف احساس تعلق می‌شده است. این یافته با نظریات رلف و نوربرگ شولتز درباره معنا و هویت مکان قابل تبیین است. براساس این دیدگاه‌ها، مکان صرفاً یک ظرف فیزیکی نیست، بلکه از طریق تجربه، خاطره، تعامل و معنا شکل می‌گیرد. در این پژوهش نیز مشاهده شد که ساکنان از طریق کنش‌های روزمره و تغییرات تدریجی در فضا تلاش کرده‌اند نوعی حس آشنایی و تعلق ایجاد کنند. بنابراین، هویت مکانی در سکونتگاه‌های موقت امری ایستا و از پیش موجود نبوده، بلکه فرایندی تدریجی و اجتماعی بوده است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان دادند که حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین چالش‌های تجربه سکونت در واحدهای پیش‌ساخته بوده است. تراکم بالای واحدها، دیوارهای نازک، نزدیکی بیش از حد فضاها و نبود تفکیک عملکردی مناسب، موجب کاهش آرامش روانی و افزایش تنش‌های روزمره شده است. این مسئله به‌ویژه در خانواده‌های پرجمعیت بیشتر مشاهده شد. با این حال، داده‌ها نشان دادند که ساکنان در بسیاری موارد تلاش کرده‌اند از طریق رفتارهای تطبیقی، بخشی از این محدودیت‌ها را مدیریت کنند. استفاده از پرده، تغییر چیدمان، ایجاد مرزهای نیمه‌خصوصی و بهره‌گیری از فضای بیرونی از جمله این راهبردها بوده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که تجربه سکونت، صرفاً تحت تأثیر طراحی اولیه فضا قرار ندارد، بلکه حاصل تعامل مستمر میان انسان و محیط است.

و کیفیت فضاهای مشترک نقش مهمی در ادراک ساکنان از کیفیت زندگی و رضایت سکونتی ایفا کرده‌اند. نتایج این پژوهش با دیدگاه‌های سلطان برکات درباره بازسازی پس از بحران همسو است. برکات معتقد است که بازسازی موفق تنها به بازسازی فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه باید به احیای پیوندهای اجتماعی، هویت جمعی و ساختارهای فرهنگی نیز توجه شود. یافته‌های این پژوهش نیز نشان دادند که حتی در شرایط سکونت موقت، روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی نقش مهمی در کاهش فشارهای روانی و افزایش سازگاری ساکنان داشته‌اند. بسیاری از شرکت‌کنندگان بیان کردند که حضور همسایگان، گفت‌وگوهای روزمره و حمایت‌های غیررسمی اجتماعی، بخشی از احساس امنیت و آرامش از دست‌رفته را جبران کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که فضاهای میانواحدی و نیمه‌عمومی، فراتر از عناصر صرفاً عملکردی، به بستری برای بازسازی سرمایه اجتماعی تبدیل شده‌اند.

همچنین یافته‌ها با مطالعات علی‌عسگری درباره اسکان پس از سانحه نیز همخوانی دارند. عسگری تأکید می‌کند که فرایند اسکان موقت باید فراتر از تأمین نیازهای اولیه، به ابعاد اجتماعی و فرهنگی زندگی آسیب‌دیدگان توجه داشته باشد. در این پژوهش نیز مشاهده شد که کیفیت تجربه سکونت تنها به ابعاد فیزیکی واحدها وابسته نبوده و عواملی نظیر امکان تعامل اجتماعی، انعطاف‌پذیری فضایی و قابلیت شخصی‌سازی محیط، نقش تعیین‌کننده‌ای در رضایت سکونتی داشته‌اند. شرکت‌کنندگان بارها به اقداماتی مانند افزودن گلدان، ایجاد سایبان، تغییر چیدمان ورودی و استفاده از فضاهای بیرونی اشاره کردند؛ اقداماتی که نشان‌دهنده تلاش برای بازتعریف فضای موقت و تبدیل آن به محیطی آشنا و قابل سکونت بوده است.

میزان مشارکت محلی و ساختار روابط اجتماعی، به شکل گیری تجربه‌های سکونتی متفاوت منجر می‌شود.

از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که الگوهای یکسان و استاندارد اسکان موقت، بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، قادر به پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهای سکونتی پس از بحران نیستند. برای ناساس، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اسکان پس از بحران، اهمیت و توجه بیشتری به تقویت روابط اجتماعی، مشارکت محلی و ایجاد بسترهای تعامل اجتماعی معطوف شود. فراهم‌سازی فضاهای نیمه‌عمومی، حمایت از کنش‌های جمعی ساکنان و در نظر گرفتن الگوهای فرهنگی زندگی روزمره می‌تواند نقشی مهم در ارتقای رضایت سکونتی و افزایش کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های موقت ایفا کند.

در پایان، به منظور توسعه دانش نظری و کاربردی در این حوزه، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با بهره‌گیری از رویکردهای ترکیبی (کمی و کیفی) به بررسی ابعاد مختلف سکونت پس از بحران بپردازند. همچنین گسترش دامنه مطالعات به سایر کشورها و مقایسه تجربه‌های سکونتی در بسترهای فرهنگی متفاوت، می‌تواند به تعمیق فهم فرایندهای اجتماعی- فرهنگی سکونت پس از بحران و بهبود راهبردهای طراحی و سیاست‌گذاری در این زمینه کمک کند.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منفعی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. فرایند گردآوری داده‌ها با رعایت اصول اخلاق پژوهش‌های کیفی انجام شد؛ به‌گونه‌ای که مشارکت آگاهانه افراد اخذ شد و محرمانگی هویت شرکت‌کنندگان به‌عنوان بخشی از چارچوب اخلاقی پژوهش در تمامی مراحل تضمین شد.

Bourdieu, 1986

Rapoport, 1969

فهرست منابع

- AFAD. (2023). Türkiye afet yönetiminin 06 Şubat 2023 Kahramanmaraş merkezli depremler özelinde değerlendirilmesi. *Türk Deprem Araştırma Dergisi*, 5(2), 190–204. <https://doi.org/10.46464/tdad.1580755>
- Akaishi, T., Suzuki, T., Nemoto, H., Utsumi, Y., Seto, M., Usukura, H., Kunii, Y., Sugawara, Y., Nakaya, N., Nakamura, T., Tsuchiya, N., Narita, A., Kogure, M., Hozawa, A., Tsuji, I., Ishii, T., & Tomita, H. (2022). Five-year psychosocial impact of living in postdisaster prefabricated temporary housing. *Disaster Medicine and Public Health Preparedness*, 16(5), 1966–1974. <https://doi.org/10.1017/dmp.2021.214>
- Aras, A., & Seymen, Z. (2024). An examination of housing designs to address post-earthquake shelter needs. *International*

یکی دیگر از ابعاد مهم یافته‌ها، نقش کنش‌های تطبیقی ساکنان در بازتعریف فضای سکونت بود. برخلاف نگاه منفعلانه به آسیب‌دیدگان بحران، داده‌های پژوهش نشان دادند که ساکنان نقش فعالی در سازماندهی و تغییر محیط زندگی خود ایفا می‌کنند. شخصی‌سازی فضا، ایجاد فضاهای نشستن، کاشت گیاهان و استفاده از عناصر فرهنگی و تزئینی، همگی نشان‌دهنده تلاش برای انسانی‌تر کردن محیط سکونت بوده‌اند. این یافته با دیدگاه‌های انسان‌محور در معماری و مطالعات رفتار محیطی همسو است و نشان می‌دهد که کاربران صرفاً مصرف‌کننده فضا نیستند، بلکه در تولید معنا و کیفیت محیط نقش فعال دارند.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که مسکن‌های پیش‌ساخته را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان واحدهایی موقت و عملکردی در نظر گرفت. این فضاها بستری برای شکل‌گیری یا تضعیف هویت مکانی، روابط اجتماعی و تجربه زیسته ساکنان هستند. از این رو، برنامه‌ریزی و طراحی اسکان پس از بحران باید فراتر از رویکردهای صرفاً فنی، به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و رفتاری سکونت نیز توجه کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تمرکز بر ابعاد اجتماعی- فرهنگی سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از زلزله ۲۰۲۳ در ترکیه، در تلاش است تصویری عمیق‌تر از تجربه زیسته ساکنان در این واحدها ارائه دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته صرفاً به شرایط فیزیکی، عملکردی و کالبدی محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور معناداری تحت تأثیر روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی ساکنان شکل می‌گیرد. در این چارچوب، سکونت موقت نه به‌عنوان وضعیتی ایستا، بلکه به‌مثابه فرایندی پویا و اجتماعی قابل فهم است.

نتایج حاصل از کدگذاری داده‌ها نشان داد که مؤلفه‌هایی همچون روابط همسایگی، حمایت‌های اجتماعی، احساس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری رضایت سکونتی و کیفیت زندگی ساکنان ایفا می‌کنند. در شرایطی که زلزله موجب ناپایداری فضایی، جابه‌جایی اجباری و فقدان امنیت روانی شده است، این مؤلفه‌ها به‌عنوان سازوکارهای جبرانی عمل می‌کنند و بخشی از فشارهای روانی و اجتماعی پس از بحران را کاهش می‌دهند. به بیان دیگر، کیفیت زندگی در واحدهای پیش‌ساخته نه به‌صورت سریع، بلکه از طریق بازسازی تدریجی روابط اجتماعی و کنش‌های روزمره ساکنان شکل می‌گیرد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که این فرایند بازسازی اجتماعی- فرهنگی، به‌شدت وابسته به شرایط زمینه‌ای هر یک از شهرهای مورد مطالعه است و تفاوت در سطح سرمایه اجتماعی،

Journal of Engineering, Design and Technology, ۴(1), 1–15. <https://dergipark.org.tr/tr/pub/ijedt/article/1447301>

- Asgari, A., & Arbabi Sabzevari, A. (2024). Foresight of informal settlements to increase resilience against earthquake. *Journal of Rescue and Relief*, 16(3), 154–161. <http://doi.org/10.61186/jorar.16.3.154>
- Asgari, A., Arbabi Sabzevari, A., Adibi Sa'adinejad, F., Joudki, H., & Rostam Pisheh, M. (2023). Structural analysis of key drivers affecting resilience against earthquakes in District 20 of Tehran. *Journal of Rescue and Relief*, 15(3), 204–215. <http://doi.org/10.32592/jorar.2023.15.3.6>
- Ayazi, R., Armaghan, M., & Khansari, S. (2024). Evaluation of the effect of lifestyle components on the spatial structure of the contemporary house; Case study: Qazvin City. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 17(47), 57–72. <https://doi.org/10.22034/aaud.2024.357193.2704>
- Barakat, S. (2020). Necessary conditions for integrated approaches to the post- conflict recovery of cultural heritage in the arab world. *International Journal of Heritage Studies*, 27(5), 433–448. <https://doi.org/10.108013527258.2020.1799061/>
- Beyhan, F., & Taflı, A. (2025). A study on the permanent housing expectations of earthquake survivors after the February 6, 2023 Kahramanmaraş earthquakes. *Gazi University Journal of Science Part B: Art Humanities Design and Planning*, 13(3), 527–542. <https://dergipark.org.tr/en/pub/gujsb/article/1768131>
- Bostan, Y. E., & Demirtaş, Y. (2025). Quality of life among earthquake survivors living in prefabricated houses in Adiyaman. *Frontiers in Public Health*, 13, 1567881. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2025.1567881>
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241–258). Greenwood. <https://www.marxists.org/reference/subject/philosophy/works/fr/bourdieu-forms-capital.htm>
- Carrasco, S., & O'Brien, D. (2022). Incremental pathways of post-disaster housing self-recovery in Villa Verde, Chile. *Architecture*, 2(3), 544–561. <https://doi.org/10.3390/architecture2030030>
- Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Belknap Press of Harvard University Press. https://books.google.com/books/about/Foundations_of_Social_Theory.html?id=a4DI8tiX4b8C
- Cramm, J. M., van Dijk, H. M., & Nieboer, A. P. (2013). The importance of neighborhood social cohesion and social capital for the well-being of older adults. *The Gerontologist*, 53(1), 142–152. <https://doi.org/10.1093/geront/gns052>
- Demir, A., Celebi, E., Ozturk, H., Ozcan, Z., Ozocak, A., Bol, E., Sert, S., Sahin, F. Z., Arslan, E., Yaman, Z. D., Utkucu, M., & Mert, N. (2025). Destructive impact of successive high magnitude earthquakes occurred in Türkiye's Kahramanmaraş on February 6, 2023. *Bulletin of Earthquake Engineering*, 23(3), 893–919. <https://doi.org/10.1007/s105185024--01865->
- Dobrucali, E., & Demir, I. H. (2016). Earthquake and flood disaster management regulations in Turkey. *Disaster Science and Engineering*, 2(1), 1–6. https://www.researchgate.net/publication/353736922_Earthquake_and_Flood_Disaster_Management_Regulations_in_Turkey

publication/353736922_Earthquake_and_Flood_Disaster_Management_Regulations_in_Turkey

- Ertürk, C., & Topal, Ç. (2020). Post-earthquake housing policy in Van: An evaluation from a social policy perspective. *IDEALKENT*, 11(30), 849–877. https://www.researchgate.net/publication/344366315_Post-Earthquake_Housing_Policy_in_Van_An_Evaluation_from_a_Social_Policy_Perspective
- Felix, D., Branco, J. M., & Feio, A. (2013). Temporary housing after disasters: A state-of-the-art survey. *Habitat International*, 40, 136–141. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2013.03.006>
- Geylani, Ö. (2025). Analyzing cost efficiency and project scope in post-disaster housing: Reconstruction cases of TOKI in Türkiye. *Buildings*, 15(9), 1555. <https://doi.org/10.3390/buildings15091555>
- Jang, K. M., Chen, J., Kang, Y., Kim, J., Lee, J., Duarte, F., & Ratti, C. (2024). Place identity: A generative AI's perspective. *Humanities and Social Sciences Communications*, 11, 1156. <https://doi.org/10.1057/s415997024--03645->
- Jennings, V., Rigolon, A., Thompson, J., Murray, A., Henderson, A., & Gragg, R. S. (2024). The dynamic relationship between social cohesion and urban green space in diverse communities: Opportunities and challenges to public health. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 21(6), 800. <https://doi.org/10.3390/ijerph21060800>
- Johnson, C. (2007). Impacts of prefabricated temporary housing after disasters: 1999 earthquakes in Turkey. *Habitat International*, 31(1), 36–52. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2006.03.002>
- Kalkan, M. (2025). Evaluation of post-disaster temporary shelter quality criteria in the context of sustainability. *PLANARCH-Design and Planning Research*, 9(2), 266–274. <https://doi.org/10.54864/planarch.1672088>
- Ladiana, D., & Claut, A. (2024). Emergency housing solutions after earthquakes: Innovative technologies and resilience strategies. *Journal of Civil Engineering and Architecture*, 18, 515–524. <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202565103001>
- Li, K., Huang, R., Liu, G., Shrestha, A., & Fu, X. (2022). Social capital in neighbourhood renewal. *Land*, 11(8). <https://doi.org/10.3390/land11081202>
- Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius loci: Towards a phenomenology of architecture*. Rizzoli.
- Özdoğan, F., Tercan, B., Bozkurt, N., & Koç, H. (2025). Why aren't there more cooperative housing construction projects? An analysis of responsibility framing in post-disaster housing recovery in Türkiye. *E3S Web of Conferences*, 651, 03001. <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202565103001>
- Peng, J., Strijker, D., & Wu, Q. (2020). Place identity: How far have we come? *Frontiers in Psychology*, 11, 294. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00294>
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K., & Kaminoff, R. (1983). Placeidentity. *Journal of Environmental Psychology*, 3(1), 59–81. [https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/S02728-80021\(83\)4944-](https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/S02728-80021(83)4944-)
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone*. Touchstone Books.
- Rapoport, A. (1969). *House form and culture*. Prentice-Hall.

- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. Pion.
- Safarkhani, M. (2025). Space to place, housing to home: A systematic review of sense of place in housing studies. *Sustainability*, 17(15), 6842. <https://doi.org/10.3390/su17156842>
- Sever, İ. A., & Tarakçı, B. İ. (2025). Examining the sustainability performance of post-disaster temporary shelter units through sample analyses. *Journal of Natural Hazards and Environment*, 11(2), 374–392. <https://doi.org/10.21324/dacd.1563726>
- Shrestha, B., Sanjaya, U., & Pokharel, J. R. (2023). Factors influencing housing satisfaction in post-disaster resettlement: a case of Nepal. *Sustainability*, 15(17), 1–26. <https://doi.org/10.3390/su151712755>
- Soltanzadeh, H., & Hassanpour, N. (2015). How traditional Ottoman houses affect contemporary architecture in Turkey. *Bagh-e Nazar*, 12(36), 51–64. https://www.bagh-sj.com/article_11991.html

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

حق، مهسا؛ کریمی، مریم و ذوالفقار، حسین. (۱۴۰۵). تبیین فرایند شکل‌گیری تجربه سکونت در مسکن‌های پیش‌ساخته پس از بحران با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی (مطالعه موردی: مناطق زلزله‌خیز ترکیه). *باغ نظر*, ۲۳ (۱۵۹), ۸۵–۱۰۲.

DOI: [10.22034/bagh.2026.571940.5978](https://doi.org/10.22034/bagh.2026.571940.5978)

URL: https://www.bagh-sj.com/article_246983.html?lang=fa

